

## چرا انتخابات مجلس هفتم تحریم خواهد شد؟

هر چه بیشتر به اسفند ماه یعنی تاریخ برگزاری انتخابات مجلس هفتم نزدیک میشویم بر میزان تحرکات « پردلیل » جناحهای دوگانه حکومتی افزوده می شود و این در شرایطی است که تحریم انتخابات شوراها یعنی بیست و چند میلیونی که انتخابات را تحریم کردند هنوز اثرات سیاسی و روانی خود را از دست نداده است .

معمولا انجام انتخابات موفقیت آمیز در کشورها بعنوان تحکیم رابطه دولت و ملت و نشانی از مشروعیت سیستم حاکم بر جوامع ارزیابی می شود اما در فرهنگ جمهوری اسلامی شرکت و یا عدم شرکت مردم نقشی کیفی در روند مناسبات میان حاکمیت و مردم بازی نمی کند . نه حضور بیست و چند میلیونی مردم درپای صندوق های رای و نه تحریم انتخابات شوراها نتوانست بر جریان سرکوب صدای آزادیخواهانه و دمکراسی طلبانه مردم کشورمان تاثیرات جدی باقی بگذارد و این سرشت و خصلت تمامی حکومت های استبدادی است که نه بر عنصر مشروعیت مردمی که بر سرنیزه تکیه زده اند . اما تحریم انتخابات مجلس هفتم ضمن نشان دادن تنفر مردم از انحصارطلبان ، بیانگر جریحه دار شدن تمامی امیدها و انتظاراتی است که زحمتکشان کشورمان از اهدای آراء خود به اصلاح طلبان در انتخابات مجلس ششم داشته اند .

این تحریم که از هم اکنون وقوع آن « اظهرال من الشمس » است گویای فاصله عظیم توده ها با جامعه روشنفکران «علنی کار اصلاح طلب» نیزکه هم اکنون سرگرم داغ نمودن بازار این انتخابات هستند نیز خواهد بود، ضمن آنکه تحریم گسترده انتخابات با اتکاء به رادیکالیسم نهفته در جنبش های توده ای میتواند گامی موثر در پروسه سقوط و رسوایی بیش از پیش استبداد حاکم در افکار عمومی جهانیان باشد .

اینطور بنظر میرسد که انحصارطلبان حکومتی علیرغم شعارها و درخواستهای خود برای حضور مردم در مراکز انتخاباتی، از خالی بودن صندوقها استقبال خواهند کرد زیرا که میتوانند با بسیج وابستگان و ارادل و اوپاش مزدور خود به پای صندوق ها کرسی های از دست رفته خود را که در انتخابات مجلس ششم به اصلاح طلبان واگذار کردند مجددا بازپس گیرند و بدین شکل به یکپارچگی بیشتری برای تحقق اهداف شوم خود در سرکوب جنبشهای مردمی و غارت منابع ملی و دسترنج مزدبگیران جامعه دست یابند و این همان مترسکی است که روشنفکران اصلاح طلب برای فریب و کشاندن مردم به مراکز انتخاباتی علم می کنند . اما مردم ایران که اصلاح طلبان را بارها و بارها تجربه کرده اند به این آگاهی رسیده اند که سرنوشت مجلس هفتم بی ارتباط با سرنوشت آنان است و این مهم را نیز در انتخابات شوراها بیان کردند .

مردم کشورمان به خوبی دریافته اند که این طیف با بکارگیری سیستم ارتجاعی برگزاری انتخابات و استفاده از شبکه تصفیه افرادی که خود را کاندید نمایندگی می کنند، قادر به جذب نمایندگانی خواهد شد که سرسپردگی و وابستگی آنان به ولایت فقیه و نظام حاکم از قبل به اثبات رسیده باشد.

اما این انتخابات علیرغم تمام هیاهوی جناحین حکومتی محکوم به شکست است زیرا که :

۱- تجربه مجلس ششم بخوبی نشان داد که قدرت سیاسی نه در درون مجلس و در دست «نمایندگان مردم» بلکه در ارگان های فوقانی خارج مجلس و منتصب ولایت فقیه قرار دارد و آراء مردم کشورمان نقشی در تعیین سرنوشت آنان نخواهد داشت همان طور که تصمیمات و مصوبات مجلس باید به تایید نهادهای ارتجاعی و فوقانی مجلس یعنی شورای نگهبان و... برسد.

۲- این انتخابات در محیطی آزاد و معطر به دمکراسی و با حضور نمایندگان واقعی و اصیل مردم، شکل ها، احزاب، و... و برابری حقوق آنان در مبارزات انتخاباتی برگزار نمی شود و صلاحیت کاندیداهای نمایندگی از « فیلترهای ولایتی » متعددی عبور خواهد کرد و سرسپردگی و تعهد به ولایت فقیه از شروط اصلی و چندگانه کاندیدها به حساب می آید.

۳- مردم به تجربه دریافته اند که در جمهوری اسلامی تنها بی قانونی و روابط مافیایی سیاسی و اقتصادی حکم میراند و سخن از قانون و احترام به نهادهای قانونی و منتخب مقولاتی هستند که با سرشت استبداد مذهبی حاکم همخوانی ندارند.

۴- مردم ایران بوضوح سرکوب و حشیمانه اعتراضات و مطالبات به حق جوانان، دانشجویان، کارگران، معلمان و زحمتکشان کشورمان را در عرصه خیابان ها، دانشگاه ها و محیط های تولیدی می بینند و طبیعتاً به فرمایشی بودن این انتخابات آگاهند.

۵- جناح اصلاح طلب رقیب در انتخابات که ظاهراً حتی از پیگیری لوایح دوگانه ریاست جمهوری که بی ربط با مسائل انتخاباتی نیستند نیز منصرف شده اند، همان طور که در مجلس ششم با اتکاء به آراء مردم و با وجود در اختیار داشتن اکثریت نمایندگان « خواسته یا ناخواسته » موفق به پاسخگویی به امیدها و انتظارات انتخاب کنندگان خویش نبوده اند و نشان داده اند که شایستگی نمایندگی مردم کشورمان را ندارند و از همین رهگذر مشروعیت نسبی و آغازین خود را نیز از دست داده اند.

۶- درسزمینی که دگراندیشی جرم و مستحق مجازات اعدام، حبس و شکنجه است و آزادی بیان،

قلم و مطبوعات مورد هجوم ماشين نظامی، قضایي واويشان چماق بدست و سزدهورحاکميت قرار می گیرد، انتخابات آزاد و غير فرمايشي امکان پذير نيست.

۷. تقلب های انتخاباتی و مردود شمردن آراء برشمرده همواره از تخصص های رژيم بوده است و اين صندوق ها در بيست و چند سال اخير به «جعبه های مارگيري» بيشر شباهت داشته اند و معمولاً صندوق های پر شده و «آکبند» پيش از شروع انتخابات مهيا شده اند.

۸. همان طور که مردم کشورمان با تحريم انتخابات شوراها نشان دادند، همه جريانات سياسی «مجاز» و «علنی کار» اصلاح طلب در داخل کشور از حکومتی ها تا ملی / مذهبی ها بنا بر پرونده فرقه گرايانه و مماشات جويانه خود در برابر ولايت فقيه و انحصارطلبان و تقسيم آزادی خواهان و زندانيان سياسی به خودی و غيرخودی از صلاحيت لازم برای نمايندگی مردم درمجلس برخوردار نيستند.

۹. درنظامی که دگرانديشان، دانشجويان، جوانان، واعضاء وهواداران سازمانهای مخالف رژيم در زندان ها تحت شکنجه بسر ميبرند و پی در پی به حبس های طولانی مدت و مجازات اعدام محکوم ميشوند هيچ انتخاباتی نمیتواند آزاد باشد.

۱۰. مردم با تحريم وسيع انتخابات شوراها وحضور گسترده درعرصه مخالفت ومبارزه با استبداد ولايت فقيه و دست رد زدن برسينه تمامی طيف های اصلاح طلب نشان دادند که کليت نظام را «مستحق رفتن» می دانند و هيچ امیدی به اصلاح شدن رژيم از درون ندارند و انگيزه ای برای شرکت در انتخابات مجلس برای آن ها باقی نمانده است. ضمن آنکه اين روان شناسی سياسی منعکس درخواست ها و طرح شعارهای مبارزاتيشان در طی چند سال اخير بوده است.

۱۱. رژيمي که اساس وبنیان تداوم حاکميتش برکشتارهای جمعی، اعمال مجازاتهای قرون وسطایی مثل سنگسار، «قطع يد و بلد» گردن زدن، شکنجه و اعدام توسط بالا کشيدن از جرثقیل نهاده شده است، نمیتواند پیام آور انتخاباتی آزاد و بدور از ترفند و ریا باشد.

بنا بر اين دلایل سرنوشت انتخابات مجلس هفتم محکوم به شکست وتحریم گسترده ازجانب مردم وتاممی کسانی است که خود را به آزادی و دمکراسی پایبند ميدانند وطبعاً اين مقطع آزمونی است برای تمامی اين نيروها وآشکارتر و شفاف تر ازهمیشه صفوف دوستان ودشمنان زحمتکشان کشورمان را نشان خواهد کرد.

روزبه وين

[ruzbeh2009@yahoo.de](mailto:ruzbeh2009@yahoo.de)